

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبیل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 144

تاریخ انتشار: 24 شهریور 1399

تعداد صفحات: 26 صفحه



بررسی ابعاد و چشم انداز تشکیل دولت جدید لبنان

رویداد

احزاب و جریان‌های سیاسی پارلمان لبنان روز دوشنبه ۱۰ شهریور با اعطای ۹۰ رأی به مصطفی ادیب، بر سر تعیین وی بعنوان نخست وزیر جدید به توافق رسیدند. نوشتار پیش رو ضمن بررسی ابعاد انتخاب نخست وزیر جدید لبنان، به چشم‌انداز تشکیل دولت جدید در این کشور می‌پردازد.

تحلیل رویداد

بعد از گذشت سه هفته از استعفای حسان دیاب نخست‌وزیر سابق لبنان، مصطفی ادیب سفیر لبنان در آلمان با کسب آرای ۹۰ نماینده پارلمان لبنان از سوی میشل عون رئیس جمهور این کشور مامور تشکیل کابینه شد.

انتخاب ادیب در شرایطی صورت گرفت که پیش از انتخاب وی، ائتلاف ۸ مارس و به طور خاص شخص نبیه بری به دنبال نخست وزیری سعد حریری بودند و از طرف دیگر دولت فرانسه نیز تمایل به نخست وزیری مجدد او داشت، اما این گزینه با وتوی طرف امریکایی و سعودی مواجه شد و بر همین اساس و در پی فشارهای شدید فرانسه، زمینه برای معرفی شخصیت دیگری از سوی سعد حریری و با موافقت بخش عمده جریان‌های سیاسی عضو در ائتلاف ۸ مارس و ۱۴ مارس، فراهم شد.

ادیب بر خلاف حسان دیاب گزینه باشگاه نخست وزیران سابق (سعد حریری، فواد سنیوره، نجیب میقاتی و تمام سلام) است و در چهارچوب اکثریت اهل سنت پارلمان کنونی می‌گنجد و با هماهنگی و موافقت بخش گسترده‌ای از ۱۴ مارس‌ها برگزیده شده و حزب الله و جریان آزاد ملی نیز با آن موافقت کرده اند. البته غیر از ادیب، گزینه‌های دیگری نیز چون قاضی غسان عویدات و محمد الحوت مطرح بودند که با مخالفت جریان مقاومت روبرو شدند.

"مصطفی ادیب عبد الواحد" متولد سال ۱۹۷۲ در شهر طرابلس لبنان است. او فارغ التحصیل دکترای حقوق و علوم سیاسی و استاد حقوق بین الملل عمومی، قانون اساسی، ژئوپلیتیک و روابط بین الملل در دانشگاه‌های مختلف لبنان و فرانسه است. وی در سال ۲۰۰۰، تدریس در کالج جنگ بیروت را آغاز کرد و به عنوان یک استاد تمام وقت در دانشگاه لبنان مشغول به کار شد. رئیس انجمن حقوق بین الملل لبنان و انجمن علوم سیاسی لبنان و عضو انجمن فارغ التحصیلان



دانشگاه فرانسه، انجمن عربی علوم سیاسی، انجمن بین‌المللی قانون اساسی از دیگر سوابق ادیب است. ادیب از دستیاران و نزدیکان نخست‌وزیر سابق، نجیب میقاتی، از سال ۲۰۱۱ بود. از سال ۲۰۱۳ تاکنون سفیر لبنان در آلمان بود.

در محافل سیاسی لبنان، مصطفی ادیب به عنوان دستیار نجیب میقاتی نخست‌وزیر پیشین لبنان شناخته می‌شود و با توجه به اینکه همسر وی تابعیت فرانسوی دارد و پدر همسرش نیز ارتباط تنگاتنگی با کاخ الیزه دارد، از وی به عنوان گزینه فرانسه برای نخست‌وزیری یاد می‌شود و بر همین اساس جریان‌های سیاسی لبنان پیش از سفر دوم مکرون به لبنان، بر سر نخست‌وزیری او به توافق رسیدند. گفته می‌شود طاها میقاتی برادر نجیب در پاریس تلاش زیادی برای اقناع فرانسوی‌ها به نخست‌وزیری مصطفی ادیب کرده است.

در شرایط کنونی، نخست‌وزیر جدید نه تنها با چالش تشکیل کابینه مواجه است بلکه با چالش‌های دیگری در عرصه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز مواجه می‌باشد. وی در شرایطی به قدرت رسیده که لبنان با مشکلات متعدد اقتصادی و معیشتی، بحران بدهی در پی اعمال سیاست‌های تحریمی امریکا و غرب و به موجب آن کاهش ارزش پول ملی و از طرف دیگر فساد سیستمی در سطوح مختلف مواجه می‌باشد.

چالش دیگر ادیب، تشکیل کابینه است و طبق خواسته فرانسوی‌ها، می‌بایست طی ۱۵ روز این مساله تحقق یابد و این در حالی است که وی از یک سو با مشکل توافق با جریان‌های سیاسی داخلی بر سر انتخاب وزرا در وزارتخانه‌های حاکمیتی مواجه است و از طرف دیگر با فشارهای خارجی در راستای تحدید نقش و نفوذ شخصیت‌های نزدیک به جریان مقاومت در کابینه دولت مواجه می‌باشد.

چالش دیگر مصطفی ادیب در مرحله بعد از تشکیل کابینه، اجرای اصلاحات مدنظر فرانسه می‌باشد؛ اصلاحاتی که در صورت عدم اجرای آن امکان دستیابی لبنان به کمک‌های مالی خارجی وجود ندارد و این در حالی است که جریان‌های سیاسی لبنانی اراده‌ای جدی از خود برای اجرای اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی نشان نداده‌اند. رئیس‌جمهور فرانسه مهلت ۸ هفته‌ای برای اجرای اصلاحات تعیین کرده و تهدید کرده است که در صورت عملیاتی نشدن آن‌ها لبنان با تحریم‌های بین‌المللی مواجه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

مصطفی ادیب نخست‌وزیر جدید لبنان در شرایطی به قدرت رسیده است که با چالش‌های متعددی





در عرصه داخلی و خارجی مواجه می باشد؛ ادیب از یک سو با چالش تشکیل کابینه مواجه است و در مرحله بعد با چالش اعمال اصلاحات مدنظر فرانسه در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی مواجه می باشد به خصوص با توجه به اینکه فرانسه و جامعه بین الملل کمک های مالی به لبنان را منوط به تغییرات جدی، اصلاح قوانین و مبارزه با فساد مالی در این کشور کرده اند. علاوه بر این، نخست وزیر جدید به منظور مهار اعتراضات و اجرای مطالبات مردمی مبنی بر مبارزه با فساد و اصلاح ساختار اقتصادی با چالش جریان های سیاسی حامی وی مواجه می باشد. لذا با توجه به اینکه ادیب در گذشته به عنوان مشاور نجیب میقاتی در ساختار قدرت حضور داشته و در شرایط فعلی نیز به نوعی وامدار میقاتی و سعد حریری می باشد، اجرای اصلاحات اقتصادی و مساله مبارزه با فساد در دوران وی، امری دور از انتظار می باشد.



بازتاب بیانات مقام معظم رهبری درباره خیانت امارات در رسانه‌های عربی

رویداد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح روز سه‌شنبه ۱۱ شهریور در ارتباط تصویری با وزیر، معاونان، مدیران و رؤسای وزارت آموزش و پرورش در سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش در بخش پایانی سخنان‌شان، اقدام دولت امارات متحده عربی در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را خیانتی به دنیای اسلام، جهان عرب و کشورهای منطقه و به مسئله مهم فلسطین خواندند و گفتند: «البته این وضعیت دیری نخواهد پایید، اما لکه ننگ آن بر پیشانی کسانی که غصب کشور و آواره کردن ملت فلسطین را به بوته فراموشی سپردند و پای صهیونیست‌ها را در منطقه باز کردند، باقی خواهد ماند.» ایشان با ابراز تأسف از همکاری دولت امارات متحده عربی با اقدامات قساوت‌آمیز رژیم صهیونیستی و عناصر خبیث صهیونیست در هیئت حاکمه آمریکا علیه مصالح جهان اسلام و منطقه، افزودند: «امیدواریم اماراتی‌ها زودتر بیدار شوند و این کارشان را جبران کنند.»

این بیانات رهبر معظم انقلاب بازتاب‌هایی در محافل و رسانه‌های عربی به دنبال داشت که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

تحلیل رویداد

پایگاه خبری فلسطین الیوم در تیتری با عنوان «امارات به جهان اسلام خیانت کرد و این خیانت طولانی نخواهد بود» به بیانات رهبر معظم انقلاب پرداخت و نوشت: «علی‌خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران، امروز تأکید کرد که امارات متحده عربی پس از توافق ننگین با اسرائیل به جهان اسلام و مردم فلسطین و کشورهای منطقه خیانت کرد و این خیانت مدت زیادی طول نخواهد کشید و لکه ننگی بر پیشانی امارات باقی خواهد گذاشت. امیدوارم اماراتی‌ها به زودی از خواب بیدار شوند و آنچه را انجام داده‌اند، جبران کنند.»

فلسطین الیوم در ادامه به نقل از مقام معظم رهبری افزود: امارات متحده عربی جای خود را به صهیونیست‌های منطقه داد و مسئله فلسطین را فراموش کرد و این‌گونه ملت فلسطین از همه طرف در تنگنا قرار گرفته است.^۱ در همین راستا وبگاه خبری «شفقنا»^۱ عراق نیز با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی نوشت: امارات متحده عربی به رژیم صهیونیستی کمک کرد تا در

1. <https://paltoday.ps/>



منطقه ورود و مسئله تجاوز به فلسطین را فراموش کند.

وبگاه مذکور به نقل از ایشان افزود: زمانی که مردم فلسطین از همه طرف تحت فشار شدید هستند، امارات متحده عربی با اسرائیلی‌ها و عناصر شیطنانی آمریکا مانند این یهودی در خانواده ترامپ (داماد وی) همکاری می‌کند. اماراتی‌ها و اسرائیل و عناصر شیطنانی آمریکا مانند داماد یهودی ترامپ، که مخالف منافع جهان اسلام است، با قساوت عمل می‌کنند. امیدوارم اماراتی‌ها به سرعت از مواضع خود در قبال رژیم صهیونیستی عقب‌نشینی کنند.^۱

تارنمای خبری «دنیا الوطن» هم که در رام‌الله فلسطین منتشر می‌شود با بازنشر بیانات مقام معظم رهبری درباره رابطه امارات با اسرائیل نوشت: توافق امارات و اسرائیل خیانتی است که مدت زیادی دوام نخواهد آورد، اما لکه ننگی بر پیشانی امارات باقی خواهد گذاشت.

این تارنما ادامه داد رهبر ایران عادی‌سازی روابط امارات و اسرائیل را خیانت به ملت اسلامی، اقوام عرب، کشورهای منطقه و فلسطین برشمرد و ابراز امیدواری کرد که اماراتی‌ها هر چه زودتر از خواب غفلت بیدار شوند و از توافق سر باز زنند.^۲

شبکه الجزیره در این باره نوشت: رهبر انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد که امارات به دو جهان اسلامی و عربی و همچنین فلسطین و ملت‌های منطقه خیانت کرد.

این شبکه قطری همچنین نوشت که رهبر معظم انقلاب اسلامی خاطر نشان کرد که عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی علیه منافع ملت‌های منطقه است.^۳

شبکه المنار نیز در این باره نوشت: رهبر انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد که اماراتی‌ها به اسلام و ملت‌های عربی و مسئله فلسطین خیانت کردند و این لکه ننگی است که بر پیشانی آنها باقی خواهد ماند. این شبکه لبنانی همچنین نوشت که رهبر معظم انقلاب اسلامی گفت که امیدواریم اماراتی‌ها زودتر بیدار شوند و جبران کنند. پایگاه خبری العهد نیز نوشت: رهبر انقلاب اسلامی ایران گفت که امارات به جهان عربی و اسلامی و فلسطین خیانت کرد و این خیانت دیری نخواهد پایید.

نتیجه‌گیری

بیانات رهبر معظم انقلاب درباره خیانت امارات به جهان اسلام بازتابی گسترده در رسانه‌های مقاومت و جهان عرب از جمله رسانه‌های لبنانی، یمنی، عراقی و قطری داشت، اما رسانه‌های وابسته به جریان عادی‌ساز با رژیم صهیونیستی همچون عربستان، امارات و بحرین موضعی در برابر این بیانات اتخاذ نکردند و سیاست سکوت خبری را پیش گرفتند.



1. <https://ar.shafaqna.com/>
 2. <https://alwatanvoice.com/>
 3. <https://www.aljazeera.net/>

نگاه رسانه‌های لبنانی به سفر مانوئل مکرون به این کشور

رویداد

در ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ مانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، برای بازدیدی دو روزه و شرکت در مراسم روز ملی لبنان، برای دومین بار وارد لبنان شد. مکرون در ابتدای ورود در فرودگاه بیروت با میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، دیدار و اعلام کرد که قصد دارد در این سفر از روند بازسازی بیروت مطلع شود. گفتنی است مکرون اولین مقام خارجی بود که پس از انفجار مهیب در بندر بیروت به لبنان سفر کرد. او در سفر پیشین خود در اظهاراتی مداخله‌جویانه خواستار انجام اصلاحات گسترده سیاسی در لبنان شده بود و با لحنی توهین‌آمیز مدعی شد که اگر لبنانی‌ها خود نتوانند اصلاحاتی را در کشورشان ایجاد کنند، فرانسه وارد عمل خواهد شد تا اوضاع را سر و سامان دهد. در این نوشتار در تلاش هستیم دیدگاه رسانه‌های لبنانی نسبت به سفر رئیس‌جمهور فرانسه و در نهایت تحلیلی از این رخداد ارائه کنیم.

تحلیل رویداد

فرانسه از دیرباز حتی بعد از دوران استعمار، نفوذی عمیق در لبنان داشته است. زبان دوم مردم لبنان فرانسوی است و در بسیاری از کوچه و محله‌های شهرهای این کشور مردم به زبان فرانسه با یکدیگر صحبت می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان حضور و نفوذ این کشور را در لبنان نادیده گرفت. از طرف دیگر همان‌طور که در عراق ثابت شد، بدون در نظر گرفتن متحدان ایران، هیچ کشوری قادر به اعمال قدرت و پیش بردن طرح خود نیست. بر همین اساس در لبنان نیز بدون در نظر گرفتن قدرت بالفعلی مانند حزب‌الله هیچ طرحی پیش نمی‌رود و قطعاً محکوم به شکست است. سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، هم در واکنشی هوشمندانه، نسبت به سفر مکرون، ضمن تقدیر از کشورهای دوست و برادری که به لبنان کمک کردند، گفت: «ما با دید مثبتی به هر کمک یا همدردی یا هر سفری در این روزها که با هدف کمک به لبنان یا دعوت به اتحاد انجام شود، می‌نگریم.»

رسانه‌های لبنانی نیز با انتشار خبر و گزارش یا ارائه یادداشت‌های تحلیلی به این سفر واکنش نشان دادند. برای نمونه روزنامه المنار در یادداشتی نوشت: بسیاری از رسانه‌های لبنانی و تحلیلگران داخلی معتقدند هدف اصلی مکرون از سخنان تحقیرآمیزش مبنی بر اینکه «اگر لبنان در موضوع انفجار و بازسازی آن کاری نکند، فرانسه وارد عمل خواهد شد»، حزب‌الله لبنان است



و غربی‌ها در صدد کم‌رنگ کردن نقش حزب‌الله در لبنان هستند. مکرون همچنین گفته بود: « لبنان درگیر بحرانی سیاسی و اقتصادی شده است که قربانی‌اش ملت لبنان هستند؛ همان‌گونه که اولین قربانی این انفجار هم همین ملت هستند. باید به فساد پایان داد و اصلاحات را به عنوان شرط حمایت آغاز کرد. گروه‌های نجات بیشتری در لبنان خواهیم داشت.»^۱

به نظر می‌رسد این رسانه با پررنگ کردن نقش حزب‌الله، خواسته است حضور مکرون و ادعای وی در موضوع تحولات اخیر لبنان را کم‌رنگ کند.

علاوه بر این در کنفرانس خبری مکرون در بیروت از طرح سؤال خبرنگار شبکه المنار جلوگیری شد. مونا طهینی، خبرنگار المنار، می‌خواست سؤالی از مکرون کند که با مخالفت مجری مراسم روبه‌رو شد. خبرنگار المنار با انتشار ویدئویی از مراسم در صفحه توئیتر شخصی خود گفت مکرون بیشتر از اینکه درباره اهداف سفرش صحبت کند، به سلفی گرفتن با خبرنگاران و مردم مشغول بود.

المنار همچنین در خبر دیگری نوشت: مکرون در فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری بیان کرد: «از لبنان بدون هیچ قید و شرطی حمایت خواهیم کرد و کمک‌های بیشتری را در سطح اروپا به لبنان خواهیم کرد. من هماهنگی حمایت اروپا از لبنان را برعهده می‌گیرم.» المنار همچنین درباره حمایت‌های فرانسه نوشت: اگر لبنان اصلاحات لازم را انجام ندهد، مشکلاتش ادامه خواهد داشت. رئیس‌جمهوری فرانسه افزود: آدمم تا پیام دوستی و همبستگی را پس از انفجار بیروت برسانم و با مسئولان و گروه‌های سیاسی دیدار خواهم کرد. وی همچنین کمی پیش از سفرش به بیروت در تویتی نوشت: پنجشنبه برای دیدار با ملت لبنان به بیروت می‌روم تا پیام برادری و همبستگی مردم فرانسه را به آنها برسانم. وضعیت را با مقامات سیاسی نیز ارزیابی خواهیم کرد.^۲

روزنامه الاخبار نیز با انتشار جزئیات دیدار مکرون و رئیس فراکسیون حزب‌الله لبنان نوشت: ماکرون در پایان جلسه دیروز کاخ «صنوبر» با محمد رعد به طور خصوصی صحبت کرد و گفت‌وگویی طولانی بین آن دو صورت گرفت، اما منابع نزدیک به حزب‌الله درباره موضوع و محتوای این نشست چیزی منتشر نکردند. این روزنامه در پایان اشاره کرد: این اولین دیدار بین رئیس‌جمهور فرانسه و شخصیتی از حزب‌الله است که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است. بر اساس گزارش روزنامه الاخبار، «رعد» درباره لزوم بهبود اوضاع لبنان و حفظ نقاط قوت آن به ویژه نیروهای مقاومت، که ناتوانی دولت در زمینه آزادسازی سرزمین خود را برطرف کردند، با مکرون صحبت کرده است.^۳

1. <http://almanar.com.lb/>

2. <http://almanar.com.lb/>

3. <https://www.al-akhbar.com/>



به نظر می‌رسد این رسانه موضع سید حسن نصرالله و سایر عناصر این حزب را برجسته کرده است تا بیان کند سید حسن نصرالله اولاً می‌تواند خود ابتکار عمل را به دست گیرد و صحنه را به گونه‌ای مدیریت کند که بیشترین بهره را ببرد. ثانیاً برای آرام کردن فضا در برهه‌ای که تنش و تنش اجتماعی و سیاسی رو به تصاعد است، به درستی اقدام کند، زیرا نیک می‌داند تشدید تنش و التهاب اجتماعی به سود هیچ‌کس نیست. ثالثاً می‌توان با حفظ آرامش و احتیاط و تدبیر از تهدیدها فرصت ساخت و حتی اگر کسی طرحی داشته باشد که به ضرر جریان یا جریان‌هایی باشد، از آن بهره‌گرفت و در نهایت از آن استفاده کرد؛ چنان که رهبر حزب‌الله به صراحت گفت: «از دل این فاجعه فرصت‌ها و تعاملات بین‌المللی بیرون می‌آید که لبنانی‌ها باید از آن استفاده کنند.»

دفتر خبری شبکه‌های میادین در لبنان درباره سفر مکرون به این کشور، خبر از تحریم برخی مقامات دیپلماتیک لبنانی را در صورت عدم همکاری با فرانسه داد. به گزارش پایگاه خبری شبکه «المیادین»، این منبع در این باره گفت مکرون «تهدید کرد در صورتی که اصلاحات اجرایی نشود، برخی مقامات را تحریم می‌کند». مالبورنو همچنین به نقل از این منبع که در نشست مکرون با گروه‌های «۱۴ مارس» حاضر شده بود، گزارش داد که مکرون در این نشست گفت: «همه شما پول گرفتید، خودتان این را می‌دانید و من هم این را می‌دانم.» رئیس‌جمهور فرانسه ظهر روز گذشته وارد بیروت شد و پس از بازدید از مناطق خسارت‌دیده در پی انفجار بندر بیروت، با مقامات لبنانی از جمله میشل عون رئیس‌جمهور، حسان دیاب نخست‌وزیر و نبیه بری رئیس پارلمان لبنان دیدار کرد.^۱

این رسانه نیز اظهارات مداخله‌جویانه مکرون را برجسته کرد و با مخاطبین خود پیام دست‌اندازی و استعمارگری فرانسه را به اشتراک گذاشت.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد رسانه‌های لبنانی با حضور مکرون در این کشور خوشنود نیستند بلکه حضور وی را یادآور روزهای استعمارگری این کشور در لبنان می‌دانند. رسانه‌های لبنانی در بیشتر یادداشت‌ها و مقالات خود سخنان تحقیرآمیز مکرون را بازتاب و به طور غیر مستقیم این پیام را به فرانسوی‌ها داده‌اند که مقامات سیاسی فرانسه حق مداخله در امور کشورشان را ندارند و باید بابت سخنان مداخله‌جویانه و تحقیرآمیز رئیس‌جمهور کشورشان از ملت لبنان عذرخواهی کنند.

از طرفی هوشمندی دبیرکل حزب‌الله در خصوص سفر مکرون و اظهارات وی و استقبال از هر گونه کمک و مساعدت در شرایط ناگوار کنونی لبنان، عملاً دست ماجراجویی رسانه‌های معاند را برای فرافکنی در پرونده انفجار، خالی گذاشته است.



چشم‌انداز حکومت بلاروس

رویداد

پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بلاروس در ۱۹ مرداد ۹/۱۳۹۹ آگوست ۲۰۲۰ و اعلام پیروزی الکساندر لوکاشنکو، بسیاری از مردم این کشور علیه انتخابات ناسالم و رفتارهای غیردموکراتیک لوکاشنکو دست به اعتراض زدند و در تظاهرات شرکت کردند. این اعتراضات در هفته‌های پیش از انتخابات نیز وجود داشت و در حال حاضر با گذشت حدود یک ماه از انتخابات، همچنان شاهد اعتراض مردم هستیم.

در این یادداشت درصدد هستیم چشم‌انداز حکومت بلاروس یا به عبارت بهتر، تداوم حضور یا عدم حضور لوکاشنکو در عرصه قدرت را بررسی کنیم.

تحلیل رویداد

لوکاشنکو در ۲۶ سال حکومت خود با چنین اعتراض‌هایی مواجه نبوده است. این اعتراض‌ها فقط به علت ناسالم بودن انتخابات ریاست جمهوری نیست، بلکه ناشی از روند روزافزون محدودیت‌ها و بسته شدن فضای سیاسی است که از سال‌های پیش آغاز و روی هم انباشته شده است و فقط منتظر یک اتفاق بود که به مثابه جرقه عمل کند. در واقع، انتخابات ۱۹ مرداد را باید به مثابه جرقه‌ای در نظر گرفت که انرژی انباشته‌شده علیه حکومت نیمه توتالیتار لوکاشنکو را منفجر کرد.

با وجود این اعتراض‌ها، درباره آینده حکومت لوکاشنکو دو سناریو قابل تصور است:

۱. تغییر حکومت و انتقال قدرت از لوکاشنکو به جریان اپوزیسیون؛ بر اساس این سناریو، اعتراض‌ها در سطح گسترده‌ای ادامه می‌یابد؛ به گونه‌ای که قشرهای زیادی از جامعه در اعتراض علیه حکومت حاکم به صوت جدی مشارکت می‌کنند و تا برآورده نشدن خواسته‌های اصلی خود دست از اعتراض برنمی‌دارند. به این ترتیب، لوکاشنکو تحت فشار معترضان و مخالفان، قدرت را واگذار می‌کند.

این سناریو به علت حمایت بازیگران خارجی از مخالفان، به عنوان یک متغیر دخیل در این تحولات، اهمیت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، تعداد زیاد مخالفان خارجی لوکاشنکو از جمله کشورهای اروپایی و حمایت آنها از جریان اپوزیسیون در بلاروس سناریوی انتقال قدرت در این کشور را تقویت می‌کند. لوکاشنکو علاوه بر معترضان و مخالفان داخلی، با معترضان و مخالفان خارجی نیز مواجه است. اتحادیه اروپا به طور واضح رفتار لوکاشنکو را زیر سؤال برده و خواستار تغییر جهت او شده است. لوکاشنکو «آخرین دیکتاتور» اروپاست و ساختارهای سیاسی حاکم بر



کشور تحت امر او شباهت زیادی با ساختارهای روسیه دارد و این امتیازی بسیار منفی برای او به حساب می‌آید. به همین دلیل، کشورهای اروپایی تمایل دارند در بلاروس انتقال قدرت صورت بگیرد و اپوزیسیون جایگزین لوکاشنکو شود.

۲. ماندن لوکاشنکو در قدرت و تداوم حکومت موجود: بر اساس این سناریو که سناریوی محتمل است، اعتراض‌ها در بلاروس در یک روند تدریجی کاهش می‌یابد و لوکاشنکو به حکومت خود ادامه می‌دهد. دلایلی که این سناریو را تقویت می‌کند عبارت‌اند از:

الف) طبق نظر نظریه پردازان نخبه‌گرایی از جمله ویلفردو پاره‌تو، اگر حاکمان سیاسی در جوامع بسته در قبال ناراضی‌های مردم از خود نرمش نشان دهند، نه تنها اعتراض‌ها کمتر و خاموش نخواهد شد، بلکه روند انتقال قدرت سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت. به عبارت دیگر، اگر لوکاشنکو در وضعیت اعتراض و آشوب علیه خود، اقدامات سرکوب‌گرایانه را کنار بگذارد و بخواهد به برخی خواسته‌های مخالفان تن دهد، نه تنها حکومت او تداوم نمی‌یابد، بلکه راه را برای سقوط خود فراهم می‌کند.

لوکاشنکو با مخالفان و معترضان برخورد قهرآمیزی داشته است. تعداد افراد بازداشت‌شده در اعتراض‌های بلاروس بسیار زیاد است. در روزهای آغاز اعتراضات پس از انتخابات، دولت یک کمیته تحقیقات را در واکنش به شورش‌های گسترده در این کشور تشکیل داد. حاصل کار این کمیته، بازداشت حدود سه هزار نفر در اعتراضات یکشنبه شب و حدود دو هزار نفر در اعتراضات دوشنبه شب بود. شب گذشته نیز هزار تن دیگر به این بازداشتی‌ها افزوده شدند.^۱ لوکاشنکو در برخورد قهرآمیز خود با معترضان مصمم است و تسامحی نشان نمی‌دهد. او حتی با اسلحه و لباس ضد شورش در جمع پلیس و مقابل دوربین ظاهر شد که نشان‌دهنده جدیت در این خصوص است.

ب) گسترده نبودن اعتراض‌ها: برای تأثیرگذاری اعتراض و تظاهرات بر حکومت مستقر، تعداد معترضان و افرادی که در تظاهرات شرکت می‌کنند، باید زیاد باشد. در کشوری با جمعیت کمتر از ده میلیون نفر، تظاهرات چند ده هزار نفری نیاز است تا بتواند بر وضع موجود تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، از ابتدا تعداد معترضین در حدی نبود که در لوکاشنکو واهمه ایجاد کند و نیروهای انتظامی و امنیتی بلاروس را با چالش مواجه سازد. رفته رفته هر چه از آغاز اعتراض‌ها می‌گذرد، از همین تعداد نیز کاسته می‌شود. برای مثال، در گزارش‌های رسانه‌های روسی از یکی از این اعتراض‌ها به تعداد دقیق معترضان در مینسک اشاره‌ای نشده است، اما از تصاویر چنین برداشت می‌شود که تعداد معترضان به بیش از هزار نفر می‌رسید.^۲



۱. یورنیوز فارسی، «شمار بازداشتی‌های اعتراضات بلاروس به بیش از ۶ هزار نفر رسید»، ۱۲/۰۸/۲۰۲۰.
۲. خبرگزاری ایرانا، «ده‌ها معترض در اعتراضات خیابانی بلاروس بازداشت شدند»، ۱۰ شهریور ۱۳۹۹.



ج) حمایت روسیه از لوکاشنکو: اگرچه در روابط مسکو و مینسک طی دو سال اخیر نشانه‌هایی از تنش به ویژه در حوزه انرژی دیده شد، اما این تنش بر اساس منافع متقابل دو طرف هیچ‌گاه گسترش نیافت و در همان سطح اعلانی و محدود باقی ماند. مواضع مسکو در قبال اعتراض‌های بلاروس نشان داد که روس‌ها به راحتی به تغییر وضع موجود در این کشور رضایت نمی‌دهند. پس از انتخابات ۱۹ مرداد در بلاروس، کرملین لوکاشنکو را در مقام ریاست‌جمهوری به رسمیت شناخت و به صورت جدی بر ضرورت عدم مداخله غرب در وقایع این کشور تأکید کرد.

اهمیت بلاروس برای روسیه به اندازه‌ای است که برخی مقامات روس معتقدند حمله به بلاروس، حمله به روسیه قلمداد می‌شود. این اهمیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی دیده می‌شود. حدود نیمی از روابط اقتصادی بلاروس با روسیه است. از طرف دیگر، سقوط لوکاشنکو و به قدرت رسیدن جریان غرب‌گرا در بلاروس، به لحاظ امنیتی تهدیدی جدی برای روسیه خواهد بود؛ زیرا دولت غرب‌گرا در بلاروس به معنای حضور ناتو در مرزهای غربی روسیه خواهد بود. علاوه بر این، زبان و قوم روسی در جامعه بلاروس در سطحی گسترده دیده می‌شود و شهروندان دو کشور نگاه مثبتی به یکدیگر دارند و همین عامل باعث اهمیت اجتماعی این کشور برای مسکو است.

نتیجه‌گیری

لوکاشنکو از زمان آغاز اعتراض‌ها به انتخابات ریاست‌جمهوری در بلاروس، دست‌کم دو بار از اهتمام خود به مذاکره با مخالفان و امکان برگزاری انتخابات زودهنگام سخن گفته است که شاید برخی این موضوع را به معنای نرمش لوکاشنکو تفسیر کنند. اما روند رویدادها در بلاروس نشان می‌دهد که نه نرمش لوکاشنکو واقعی بوده است، نه فشار اپوزیسیون و معترضان حجم و گستردگی لازم را داشته و نه حمایت خارجی از اعتراض‌ها کیفیت لازم را داشته است؛ بلکه برعکس، واکنش قهرآمیز لوکاشنکو نسبت به مخالفان و معترضان، ضعف‌های موجود در اپوزیسیون بلاروس و حمایت‌های لازم مسکو از رئیس‌جمهور این کشور باعث شده است معترضان و حامیان خارجی آنها نتوانند به اهداف خود برسند. بر این اساس، چشم‌اندازی که پیش روی بلاروس وجود دارد - دست‌کم در کوتاه‌مدت - تداوم حکومت الکساندر لوکاشنکو و گرایش بیش از پیش او به سمت روسیه و حتی چین است.



هویت دولت جدید تونس (تحلیل رأی النهضه)

رویداد

به دنبال استعفای الیاس الفخفاخ از سمت نخست‌وزیری، رئیس‌جمهور تونس شنبه چهارم مرداد ۱۳۹۹ هشام المشیشی^۱ را مأمور تشکیل دولت جدید تونس کرد. با گذشت حدود یک ماه در ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ المشیشی کابینه خود را به پارلمان معرفی کرد و نمایندگان پارلمان تونس با اکثریت آرا به دولت تکنوکرات این کشور رأی اعتماد دادند و از انحلال پارلمان توسط رئیس‌جمهور تونس جلوگیری کردند. موضع‌گیری‌های مختلفی درباره این کابینه صورت گرفته است. برخی تشکیل دولت تکنوکرات و غیرحزبی را در بحران کنونی تونس واجب و لازم دانستند، اما برخی نیز نسبت به غیر حزبی بودن آن نظر مساعدی نداشتند؛ از جمله حزب النهضه که مخالف تشکیل چنین دولتی بود. تحلیلگران سیاسی این تغییر موضع النهضه و حمایت آنها از دولت جدید را اقدامی هوشمندانه قلمداد کرده‌اند. در این نوشتار سعی شده است دلایل حمایت النهضه از دولت جدید و چالش‌های فراروی المشیشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

تحلیل رویداد

احزاب سیاسی در پارلمان تونس، که در مهر سال گذشته تشکیل شد، با یکدیگر به شدت اختلاف دارند و همین موضوع سبب شده است تشکیل دولت ائتلافی در این کشور به سختی انجام شود. بنابراین هشام المشیشی خواستار تشکیل دولتی تکنوکرات و غیرحزبی شد و بر همین اساس نشست پارلمان تونس برای رأی‌گیری درباره کابینه پیشنهادی المشیشی روز سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ آغاز شد. در پایان رایزنی‌های نمایندگان تونس که ۱۴ ساعت طول کشید، از ۲۱۷ نماینده، ۲۰۱ نماینده حاضر بودند که از این تعداد، ۱۳۴ نماینده به دولت پیشنهادی المشیشی رأی اعتماد و ۶۷ نفر نیز رأی مخالف دادند.

اما نحوه تقسیم آرای موافقان و مخالفان این کابینه از سوی نمایندگان تونس به این ترتیب بود: فراکسیون‌های احزاب النهضه با ۵۴ کرسی، الاصلاح با ۱۶ کرسی، تحیا تونس با ۱۰ کرسی، فراکسیون الوطنیه با ۱۱ کرسی، المستقبل با ۹ کرسی و شماری از نمایندگان مستقل به کابینه المشیشی رأی مثبت دادند و در مقابل فراکسیون‌های جریان دموکراتیک تونس و جنبش الشعب با ۳۸ کرسی، ائتلاف الکرامه

۱. هشام المشیشی ۴۶ ساله و دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت عمومی از استراسبورگ فرانسه و وزیر کشور سابق تونس است. المشیشی، چهارمین نخست‌وزیر تونس، پس از سقوط بن‌علی است.



با ۱۹ کرسی و حزب الدستوری الحر با ۱۶ کرسی به این کابینه رأی منفی دادند. برخی احزاب سیاسی قبل از معرفی هیئت دولت توسط المشیشی، نسبت به لیست معرفی کابینه، اظهار نظر کردند و برخی نیز خط و نشان برای نخست‌وزیر کشیدند. زهیر المغزواوی، دبیرکل جنبش مردمی، به تشکیل دولت جدید بدون النهضه تأکید کرد و اظهار داشت: «انتخابات زودرس بهتر از آن است که شخصی از اعضای کابینه دولت، منتسب به النهضه باشد.»^۱ عبیر موسی، رئیس حزب الدستوری الحر، نیز مخالفت خود و حزبه را با عضویت النهضه در دولت بعدی ابراز داشت و تأکید کرد که حزب الدستوری شامل ۱۶ نماینده است که در صورت معرفی شخصی از النهضه، دولت المشیشی را تأیید نخواهد کرد.^۲ سرانجام نیز آنها به دولت المشیشی رأی عدم اعتماد دادند. یکی از دلایل هم این بود که محمد الفاضل کریم، وزیر معرفی شده فناوری ارتباطات، منتسب و نزدیک به النهضه بوده است.

النهضه از دولت المشیشی انتظار داشت کابینه کوچکی تشکیل دهد، اما در هیئت دولت المشیشی ۲۵ وزیر وجود دارد که برخی از آنان توانایی و شایستگی لازم را برای سکانداری وزارتخانه‌های مربوط ندارند و بعضی از آنها فاقد استقلال هستند. المشیشی همه وزیران کابینه خود را از میان افراد مستقل و غیرحزبی با هدف رسیدگی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور انتخاب کرده و همین موضوع سبب شده است تعداد زیادی از احزاب و گروه‌های سیاسی تونس به مخالفت با او برخیزند.

اما موافقان تشکیل کابینه غیرحزبی معتقدند بی‌ثباتی سیاسی در تونس یکی از علل مهم وضعیت موجود در این کشور است و این مشکلات سبب شده است مردم تونس دیگر اعتماد و اطمینان خود را به سیاستمداران از دست بدهند؛ از این رو افراد غیرحزبی می‌توانند حضور مؤثرتری داشته باشند. از سوی دیگر اختلافات سیاسی میان احزاب تونس عمیق‌تر و امکان تشریک مساعی و اتحاد آنها در حل مسائل کلان کشور کمتر شده است.

دلایل حمایت النهضه از دولت المشیشی

دلایل حمایت و رأی اعتماد دادن النهضه به دولت تکنوکرات و غیرحزبی المشیشی را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد:

۱. طولی نکشید که النهضه از مخالفت شدید با هشام المشیشی به حمایت و رأی اعتماد به

۱. «المغزواوی: الانتخابات المبكرة أفضل من حكومة تضم النهضه»، التراتونس، ۳/۰۸/۲۰۲۰.

<https://bit.ly/31wHS6E>

۲. المنجی السعیدانی، «الدستوری الحر يطالب المشیشی بالقطع مع الإسلام السياسي فی تونس»، الشرق الأوسط، ۱۳/۰۸/۲۰۲۰، <https://bit.ly/2DO0UO3>





دولت جدید روی آورد. تحلیلگران سیاسی این اقدام و تغییر موضع النهضه را اقدامی فرصت طلبانه قلمداد می‌کنند که مانع از اجرایی شدن خطرناک‌ترین سناریو، یعنی برگزاری انتخابات زودهنگام شد.^۱ اگر النهضه و جریان‌های همسو به دولت المشیشی رأی اعتماد نمی‌دادند، با توجه به اختلافات داخلی بین اعضای النهضه و اعتراضاتی که اخیراً احزاب سکولار علیه النهضه شکل دادند، ممکن بود رأی النهضه در مقایسه با احزاب سکولار کاهش یابد و کرسی کمتری به آنها تعلق بگیرد. طبق نظرسنجی بنیاد سیگما کونسای، در صورت برگزاری انتخابات زودهنگام در این دوره، حزب دستوری الحر ۳۵/۸ درصد رأی، در مقابل النهضه با ۲۱/۹ درصد را به خود اختصاص خواهد داد.^۲

۲. ناظران و کارشناسان به‌رغم موضع‌گیری خود در دولت، اظهار داشتند که النهضه در حمایت از ثبات و جلوگیری از تعمیق بحران سیاسی در کشور به دولت رأی داده است؛ بنابراین النهضه با درک حساسیت و خطری که کشور را تهدید می‌کرد، به کابینه المشیشی رأی اعتماد داده است.

۳. در زمان حاضر، با توجه به وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور و دشواری مقابله با آن در مدت زمان کوتاه، النهضه ورود به هر دولتی را مناسب نمی‌داند چون عملکرد نامناسب و عدم موفقیت وزرای النهضه باعث از بین رفتن محبوبیت‌شان در جامعه می‌شود.

۴. النهضه نمی‌خواست به عنوان حزبی که مانع تشکیل دولت در کشور می‌شود، مطرح شود؛ در نتیجه به دولت جدید رأی اعتماد داد. با این حال رأی اعتماد النهضه به کابینه دولت المشیشی به معنای حمایت کامل نیست، بلکه دولت را در دوره آینده به چالش خواهد کشید.

۵. راشد الغنوشی خوب می‌داند که حزبش بزرگ‌ترین فراکسیون سیاسی در پارلمان تونس به شمار می‌رود و از آنجا که در تونس، پارلمان مصدر قدرت است، بنابراین النهضه با بیشترین تعداد کرسی می‌تواند همان‌گونه که به دولت رأی اعتماد داد، هر وقت بخواهد رأی اعتماد خود را پس بگیرد.

اصلاح در کابینه جدید

حزب قلب تونس به تغییر برخی وزرا در دولت جدید تأکید دارد. عیاض اللومی، معاون این حزب گفته است: «اگر نخست‌وزیر نتواند اصلاح کابینه را انجام دهد، این حزب عدم رأی اعتماد علیه وزیران را صادر خواهد کرد.» عصام البرقوقي، رئیس کتله مستقبل، با توفیق شرف‌الدین، وزیر کشور معرفی شده در کابینه جدید مخالف است و در صورت تغییر ندادن و اصلاح کابینه رأی عدم

۱. اسکای نیوز عربیه، «تراجع النهضه أمام المشیشی.. السرفی السیناریو الأخطر»، ۲۰۲۰/۰۹/۰۱.

www.skynewsarabia.com

۲. رحاب الزیادی، «موقف النهضه من حکومت المشیشی فی تونس»، ۲۰۲۰/۰۸/۱۶.

<https://marsad.ecsstudies.com>





اعتماد را صادر خواهد کرد. تحلیلگر سیاسی الجمعی القاسمی نیز در مورد اصلاح در کابینه گفت: المشیشی احتمالاً در ازای دادن رأی نمایندگان حزب النهضه و قلب تونس و متحدان آنها به تمایل احزاب برای تغییر وزرای کشور و دادگستری ظرف چند هفته بعد اقدام خواهد کرد.^۱ بنابراین المشیشی خود و دولت را به خطر نخواهد انداخت و بعد از چند مدت به تغییر وزرای معرفی شده از طرف حزب النهضه اقدام خواهد کرد؛ در غیر این صورت نا آرامی های سیاسی در این کشور همچنان ادامه خواهد داشت.

چالش های پیش روی المشیشی

با گذشت بیش از ۹ سال از تحولات سیاسی در تونس، این کشور همچنان با مشکلات حاد اقتصادی، بیکاری و فساد روبه روست، به طوری که بسیاری از اتحادیه های مشاغل در تونس نسبت به شرایط وخیم اقتصادی هشدار داده اند. براساس آمارهای اقتصادی منتشر شده، میزان رشد منفی در سال ۱۳۹۹ در تونس به ۶/۱ درصد و بیکاری به ۱۹ درصد افزایش یافته است. همچنین شرایط سیاسی حاکم بر تونس سبب افزایش مداخلات خارجی در این کشور شده است، به طوری که بسیاری از مقامات و کارشناسان این کشور نسبت به این مداخلات و خطرهای آن هشدار داده اند.

بنابراین عبور از بحران اقتصادی از اهمیتی ویژه برای المشیشی برخوردار است. دولت وی نیز مهم ترین برنامه خود را رسیدگی به مشکلات اقتصادی دور از نزاع سیاسی با احزاب بیان کرده است. برنامه پیشنهادی دیگر دولت جدید المشیشی بازگرداندن سرمایه گذاران به کشور است. نخست وزیر جدید تونس نگرانی خود را نیز در مورد آینده کشور به دلیل بدهی عمومی دولت و حجم وام هایی که در حال افزایش است ابراز کرد.^۲

ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد دو محور و تقاضای اصلی بسیاری از تونسی هاست. به نظر می رسد کابینه جدید تونس با دوری از منازعات سیاسی و اهداف حزبی، روزهای پر کاری را در پیش دارد.^۳ برخی سیاستمداران تونسی معتقدند: اقدامات آینده دولت المشیشی بعد از گرفتن رأی اعتماد، همچون راه رفتن در میدان مین خواهد بود؛ بنابراین به نظر می رسد بحران سیاسی در تونس پیچیده تر خواهد شد.

۱. أصوات مغاربية، محللون: مساعی فی تونس للإطاحة بـ «وزراء الرئيس» من حكومة المشیشی، ۲۰۲۰/۰۹/۰۲، www.maghrevoices.com

۲. وكالة إسکای نیوز عربیه، «بعد ثقة البرلمان.. ملفات ساخنة فی انتظار حكومة المشیشی»، ۲۰۲۰/۰۹/۰۱، www.skynewsarabia.com

۳. آتوسا دیناریان، «رأی اعتماد پارلمان تونس به کابینه جدید»، ۱۳۹۹/۰۲۶/۱۴، خبرگزاری ایران پرس، <https://farsi.iranpress.com>



نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دلیل حمایت النهضه از دولت جدید برقراری ثبات و جلوگیری از بحران سیاسی در کشور بوده است، اما کابینه المشیشی برای کسب اعتماد و عدم استیضاح باید عملکرد مناسبی از خود نشان دهد، زیرا النهضه به عنوان بزرگ‌ترین فراکسیون سیاسی در پارلمان تونس هر موقع بخواهد می‌تواند رأی اعتماد خود را پس بگیرد.

اصلاح و تغییر وزرا تقاضای منطقی و رویکرد ضروری در دوره آینده تونس است که توسط احزابی که به دولت جدید رأی داده‌اند دنبال خواهد شد و در نتیجه النهضه نیز مهره‌های جدیدی را برای تغییر وزرا بعد از چند ماه به المشیشی پیشنهاد خواهد کرد.

دولت المشیشی برای جلوگیری از ورشکستگی باید به توازن مالی توجه کند و راه‌حل‌هایی برای حرکت مجدد چرخ توسعه و بازگرداندن اقتصاد پیدا کند و به بهبود وضعیت بیکاری در کشور، به خصوص مشاغلی که به دلیل شیوع بیماری کرونا از کار بیکار شده‌اند، توجه کند. همچنین باید فضای اعتماد بین احزاب مختلف سیاسی ایجاد شود تا کمر بند سیاسی محکمی برای نخست‌وزیر جدید تونس فراهم شود و به دولت امکان دهد برنامه‌های خود را روی صحنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور پیاده کند؛ در غیر این صورت ناآرامی‌های سیاسی در این کشور همچنان ادامه خواهد داشت.

پیامدهای کشف گاز ترکیه در دریای سیاه بر اقتصاد این کشور

رویداد

اردوغان در ۳۱ مرداد ۱۳۹۹ با اعلام خبر کشف اولیه ۳۲۰ میلیارد متر مکعب گاز با کشتی فاتح از چاه تونا ۱ در «میدان گازی ساکاریا»، نگاه همگان را متوجه ترکیه کرد. با توجه به اینکه این اکتشاف صد برابر حجم منابع کشف شده این کشور تا کنون بوده است و می تواند نیاز ۵ تا ۶ سال گازی را تأمین کند، و از سوی دیگر ترکیه می تواند با کشفیات احتمالی جدید در شرق مدیترانه و دریای سیاه و ورود محصولاتش به بازارهای مصرف داخلی و حتی صادراتی، بر تولید و بازار گازی کشورهای تولیدکننده از جمله ایران تأثیر بگذارد، بررسی تأثیر این اکتشاف بر اقتصاد این کشور حائز اهمیت است.

تحلیل رویداد

ترکیه اکتشافات دریایی خود را از سال ۱۳۴۸ شروع کرد. از سال ۱۳۸۱ شرکت سهامی عام نفت ترکیه تمرکز بیشتری روی اکتشافات گازی حوزه دریای سیاه داشت و در میدان گازی ساکاریا با همکاری شرکت آمریکایی نفت مدیسون در ۱۳۸۲ موفق به کشف منابع گازی شد. مجدداً در همین میدان گازی در سالهای ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ حفاری های جدیدی با همکاری بریتیش پترولیوم داشت که هیچ کدام آورده ای برای ترکیه نداشت. ^۱ این کشور از سال ۱۳۹۱ با خرید کشتی اکتشافی بارباروس خیرالدین پاشا و اوروچ رئیس در سال ۱۳۹۵ تلاش های ملی خود را برای انجام اکتشافات گازی در حوزه دریای سیاه و مدیترانه آغاز کرد. ترکیه با خرید سه کشتی حفاری فاتح در سال ۱۳۹۵، باووز در سال ۱۳۹۶ و قانونی در سال ۱۳۹۸ سرعت حفاری های خود در این حوزه را افزایش داد. ^۲

ترکیه سالانه ۴۵ میلیارد متر مکعب واردات گازی از کشورهای مختلف دارد؛ در حالی که از سال ۱۳۴۸ تا کنون از منابع دریایی و زمینی خود تنها ۶/۱۶ میلیارد متر مکعب گاز تولید کرده است. کشف جدید در دریای سیاه ۲۰ برابر تولیدات گازی این کشور است. با توجه به ظرفیت اعلامی اکتشاف جدید، این میزان در صورت عدم افزایش گاز مصرفی بنا بر زیرساخت های جدید اقتصادی و صنایع روبه توسعه، فقط می تواند نیاز ۵ تا ۶ سال گازی ترکیه را جویگو باشد. در صورت بهره برداری از گاز این میدان در سال

1. <https://www.aa.com.tr/tr/info/infografik/19851#!>

2. <https://www.aa.com.tr/tr/info/infografik/19866>



۱۴۰۱ و استخراج سالیانه ۱۰ میلیارد متر مکعب از آن به مدت ۳۲ سال شاهد خواهیم بود کمتر از ۲۰ درصد نیاز داخلی ترکیه تأمین شود. در حالی که با توجه به عمق زیاد چاه و شوری آب دریای سیاه و نیاز به تجهیزات ویژه برای استخراج، هزینه توسعه این میدان چیزی بالغ بر ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. برخی کارشناسان معتقدند ظرفیت اکتشافی تونا ۱ قابل قیاس با حجم گاز کشورهای مثل روسیه، ایران و آذربایجان نیست و جایگاه ترکیه را بین کشورهای دارای ذخایر گازی ارتقا نخواهد داد. ترکیه هم اکنون در رده سی و دوم کشورهای تولیدکننده گاز جهان است که با این اکتشاف نیر جایگاهی بهتر از این نخواهد داشت. اقتصاددانان نزدیک به حاکمیت اکتشاف کنونی را فتح دیگری برای اردوغان می‌دانند و آن را سبب رشد و شکوفایی و عدم وابستگی ترکیه به واردات گاز و حتی تبدیل ترکیه به کشور تأثیرگذار در هاب انرژی دنیا اعلام کردند.

ترکیه طی ۱۵ سال گذشته بیشترین رشد تقاضای انرژی میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (اواسی‌دی) را داشته است. اقتصاد ترکیه در ۱۰ سال گذشته به طور میانگین حدود ۵ درصد رشد کرده که خود عامل اصلی افزایش نیاز کشور به انرژی و سرمایه‌گذاری در این بخش بوده است.^۱ برای اقتصاد پیشرفته ترکیه در خاورمیانه، کشف این انرژی می‌تواند گام اولیه برای حفاری‌های بعدی و تلاش برای کشف میدان‌های جدید باشد. با توجه به استانداردهای بین‌المللی، کارشناسان انرژی معتقدند از این ۳۲۰ میلیارد متر مکعب، ۲۱۰ میلیارد متر مکعب آن قابلیت برداشت خواهد داشت. با توجه به اینکه ۸۰ درصد از توافقات انرژی ترکیه تا سال ۱۴۰۴ به پایان خواهد رسید، این اکتشاف فرصت‌هایی را پیش روی ترکیه می‌گذارد. ترک‌ها با این اکتشاف وارد بازار ۳/۴ میلیارد مترمکعبی اتحادیه اروپا خواهند شد. ترکیه در صورت توانایی استخراج و انتقال آن به مصرف داخلی و مقرون به صرفه بودن این اقدامات می‌تواند در آینده معاملات گازی با سایر تأمین‌کننده‌ها قدرت چانه‌زنی بیشتری داشته باشد. با توجه به برخی تخمین‌ها در خصوص ظرفیت ۸۰۰ میلیارد مترمکعبی این کشف و نزدیکی آن به میدان‌های گازی رومانی، شاید ترک‌ها مجبور به همکاری با آنان در این زمینه شوند. از سویی این چاه نزدیک چاه نپتون رومانی با ظرفیت ۲۰۰ میلیارد مترمکعبی است که شرکت اکسون به دلیل عمق استخراج، دشواری‌های تکنیکی و شوری آب دریای سیاه از مشارکت در این پروژه انصراف داد. به همین علت کارشناسان معتقدند شاید با گمانه‌زنی‌های جدید در این میدان و تثبیت قطعی ذخایر آن، ترک‌ها که تا کنون بیش از ۶ میلیارد دلار در این میدان هزینه کرده‌اند، فقط به دلیل ایجاد امنیت و تا حدودی استقلال در حوزه انرژی، حاضر به هزینه تا ۲۰ میلیارد دلار هم برای استخراج شوند. در حالی که برآوردها از درآمد ۶۵ میلیارد دلاری این میدان در صورت استخراج ۹۰ درصدی آن برای ترکیه طی ۳۰ سال آینده خبر

1. <https://iramcenter.org/turkiyenin-dogal-gaz-kesfinin-anlami/>



می‌دهد. ترکیه طی سال‌های گذشته زیرساخت‌های واردات گاز مایع خود را به ۵۰ میلیارد متر مکعب در سال رسانده که حتی بالاتر از کل گاز مصرفی کشور است. ترک‌ها در مقایسه با خرداد سال گذشته، واردات گاز مایع خود را از ۱۸ درصد به ۵۴ درصد افزایش دادند. تأمین‌کننده گاز آل‌ان‌جی ترکیه کشورهای قطر، الجزایر و آمریکا هستند که شراکت راهبردی با این کشور دارند. در مدت مشابه نیز واردات را از ۸۲ درصد به ۴۶ درصد در خطوط انتقال گاز کاهش دادند. یعنی ترک‌ها ضمن تنوع‌بخشی به خطوط تأمین انرژی خود، مصارف گازی خود را هم به آل‌ان‌جی تغییر داده و مخازن ذخیره‌سازی بزرگی در ارزروم و اسکی شهر ایجاد کرده‌اند که می‌تواند در کاهش وابستگی این کشور نقش ایفا کند.

از فروردین تا تیر ۱۳۹۹ خط انتقال گاز ایران به ترکیه به دلیل انفجار کاملاً قطع شد که با توجه به افزایش واردات آنان از خطوط آذری تأثیر چندانی در مصارف داخلی ترکیه نداشت. با افتتاح این میدان، در سال ۱۴۰۱ خط استریم ترک که سالیانه ۱۵/۵ میلیارد متر مکعب گاز را از روسیه به ترکیه انتقال می‌دهد و خط گازی ماوی که هم اکنون نیز با ظرفیت بسیار اندک در حال فعالیت است، با آینده مبهمی روبه‌رو خواهند شد. البته با توجه به دوری ۱۵۰ کیلومتری این میدان از خاک ترکیه، چه بسا از استریم ترک، برای انتقال گاز استخراجی استفاده شود. به علت تنوع خطوط گازی ترکیه از ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه، جایگزینی گاز آل‌ان‌جی، شیوع کرونا، تأمین ۱۰ تا ۲۰ درصدی گاز در صورت استخراج این میدان‌ها از سال ۱۴۰۱، اتمام قراردادهای گازی ترکیه در سال ۱۴۰۳ و سرمایه‌گذاری عظیم روی موضوع حفاری‌ها با خریداری کشتی‌های اکتشافی و حفاری در سال‌های اخیر در حوزه دریای سیاه و مدیترانه، آنان در تلاش برای دستیابی به منابع عظیم انرژی و کاهش وابستگی به واردات آن از سایرین هستند.

وابستگی اقتصاد ترکیه به واردات انرژی و به تبع آن چسبندگی بیش از حد به کشورهای تأمین‌کننده گاز، همواره یکی از چالش‌های اساسی ترکیه در تنوع بخشیدن به تأمین‌کننده‌های گازی خود و تلاش برای کشف منابع گازی برای استقلال در این زمینه بود. افتتاح این میدان گازی به لحاظ اقتصادی، سالیانه بین ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار صرفه‌جویی در واردات گاز ترکیه خواهد داشت. اما اگر مقایسه‌ای بین درآمد توریستی ترکیه که مبلغی حدود ۳۵ میلیارد دلار سالیانه است، با درآمد کلی این میدان گازی در صورت استخراج ۱۰۰ درصدی که مبلغ ۶۵ میلیارد دلار خواهد بود، انجام شود، از لحاظ سودآوری چندان مقرون به صرفه نیست.^۱ بیشتر خبرگان حوزه گازی اعلام کردند برای استخراج گاز از این میدان، دست‌کم بین ۸ تا ۹ سال زمان نیاز است. به همین دلیل، اعلام سال ۱۴۰۱ از سوی اردوغان بیشتر برای بهره‌برداری انتخاباتی و سیاسی ترکیه در صد سالگی معاهده لوزان است. هر چند با اعلام خبر اکتشاف از سوی اردوغان برای ساعاتی شاهد افزایش قدرت لیر و افزایش قیمت سهام شرکت‌های گازی بودیم، اما این هیجان با اعلام





ظرفیت و زمان استخراج فروکش کرد و روند نزولی لیر در برابر سایر ارزها شتاب گرفت.

نتیجه‌گیری

کشف میدان گازی جدید در دریای سیاه بیش از آنکه برای ترکیه آورده اقتصادی داشته باشد، برای اردوغان آورده سیاسی دارد؛ زیرا در کوتاه‌مدت پیامد مثبتی برای اقتصاد ترکیه ندارد به طوری که فقط چند روز ارزش لیر را در برابر دلار افزایش داد و بلافاصله به حالت قبل بازگشت. به عقیده کارشناسان اقتصادی، این میدان گازی فقط می‌تواند در بلندمدت حدود ۲ تا ۲/۵ میلیارد دلار از خرید گاز ترکیه از کشورهای دیگر بکاهد و به طور طبیعی در اقتصاد این کشور صرفه‌جویی خواهد شد.

علاوه بر این، کشف اخیر تنها بر آورد مثبتی بر حفر یک حلقه چاه است. برای ارزیابی و تأیید ذخایر آن باید حفاری‌های جدید صورت گیرد. زمان بر بودن استخراج، سرمایه‌گذاری زیاد برای توسعه و استحصال طی سال‌های آتی و تأمین نکردن کامل انرژی مورد نیاز از آن چالش‌های مهم تأثیر مثبت این حلقه چاه بر اقتصاد ترکیه است. با این حال، این اکتشاف قدرت چانه‌زنی ترکیه را برای خرید گاز ارزان از کشورهای ایران و روسیه در میان‌مدت بیشتر خواهد کرد. همچنین این اکتشاف سبب تحرک بیشتر ترک‌ها برای انجام حفاری در حوزه مدیترانه شرقی و دریای سیاه خواهد بود که با اکتشاف میدان‌های جدید و در صورت اقتصادی بودن استخراج آن، قطع وابستگی، استقلال و امنیت پایدار تأمین انرژی برای ترکیه در حال شتاب را در بلندمدت به دنبال خواهد داشت.

